

طومار

سهام آب زاینده رود

محمد مهریار

(۱)

فرهنگهای ما طومار را به همین معنا آورده‌اند و مستعرض ریشه لغت و اشتقاق آن نشده‌اند. در فرهنگ «برهان قاطع» اصلاً نیامده و در «فرهنگ فارسی معین» آن را به همین صورت معنا کرده و باز متذکر کیفیت اشتقاق آن نشده است. فقط با علامت اختصاری نشان داده است که اصل آن یونانی است.^۱ در «لغت‌نامه» دهخدا در ذیل ماده «طامور» که صورت دیگری از «طومار»، است، اشارتی به «المعرب جوالیقی» رفته است. ظاهراً علامه دهخدا توجه کرده‌اند که «طومار» پارسی است نه عربی. در «المعرب جوالیقی»^۲ ذیل کلمه طومار آمده است: «طومار معروف و هو معرب زَعَمُوا» و مصحح در

«طومار سهام آب زاینده رود» صورت تقسیمات آب زاینده رود است بر گونه سهم‌بندی برای مادیها، انهار و سرانجام دیه‌هایی که از آب رودخانه زاینده رود مشروب می‌شود.

طومار در سوابق ایام یک نحوه کتابی بود که به عرض و طول‌های گوناگون آن را از آخر می‌پیچیدند تا به اول می‌رسید و این کاغذ دراز که اکثراً هم پهنای چندان نداشت، با دو چوب کوچکی که در سر و ته آن بود آسان پیچیده و باز می‌شد. ظاهراً پیش از آنکه کتاب و صحافی به صورت حاضر درآید، و کاغذهای صفحه‌بندی شده در میان دو جلد قرار گیرد، ثبت و ضبط امور به همان صورت طومار بوده است و طومارهای پایروس مصری نیز به همین صورت بوده است. بعدها طومار را اختصاصاً به معنای همین سیاهه سهم‌بندی و یا صورت‌حساب و امثال اینها به کار برده‌اند. واژه طومار در اصل لاتینی «Rotula و Rotulus» حالت تصغیر «Rota» به معنی چرخ آمده است و علت این تسمیه به همین جهت بوده است که کاغذ را از دو سو تاب می‌داده و می‌چرخانده‌اند تا به صورت طومار درآید.^۱ در زبان فارسی هم به همین صورت و از فارسی به عربی رفته است. الآن طومار را با طای عربی می‌نویسند و چون اصل آن پارسی است، ظاهراً صحیح آن تومار با «ت» است. در

۱- طومار در زبان فرانسه Rouler و در انگلیسی Rota به معنی چرخاندن و تابیدن و با اصل پارسی طومار همانند است.
۲- معلوم نیست مرحوم معین به چه جهت اصل آن را یونانی دانسته است در حالی که عناصر ترکیب‌کننده واژه همه پارسی است.

۳- ابومنصور موهوب بن ابوطاهر احمد بن محمد بن خضر مشهور به جوالیقی (۴۶۵-۵۴۰ ه. ق.) از ائمه لغت و اشتقاق و مشاهیر ادب در زبان عربی و عصر خویش است. نسبت او به جوالیقی از این باب است که کلمه جوالیق خود معرب است و ریشه آن «جوال» یا «گوال» به معنی کیسه پشمی و خورجین بزرگ است، فارسی است و جوالیقی از «جوالیک» آمده و در عربی «جوالیق» شده است و «ایک» در پارسی کهن پسوند صفت است، بنابراین جوالیقی به معنی جوالباف یا جوالفروش بوده است.

بسم الله الرحمن الرحيم
محمد بن شریف نزار خلیفہ شہان جہانگیر
شاہ ظہار سب زبیر مرقدہ

۱

فرمان ہمسویں شد کہ چون بعضی خلاف در قرار و سهام رود و تا مبارکہ را نیندہ جو صفہاں بہر سیدہ لوجہ
بنابر آن انہی حالت قاہرہ چند نفر از عمیدین و مقربین را شخص نموجہ بابت علی جان مستوفیان
عظام و تصدین خدمت کہ خدایان در پیش بخین بلوکات مشترکہ از آن کہ قرار سهام حصہ ہر یک
قراء و مزاج را در جز ہر بلوک موافق کہ پیش وقت بدون تعلب و تقد تعین نمودہ در قید التزام
ثبت از اوردن و برابر قرار دہشتہ کہ از آن قرار معمول دارند و چون بلوک جی در وسط بلوکات
مشربہ از روضہ مبارکہ است از قدیم جان قرار بلوک کہ خدمت میران رود و خاندہ مبارکہ در عمدہ یک نفر
از کہ خدایان معتبر معتمدی از بلوکات بلوکہ اہل نیز بہان دستور معمول دارند مقرر ائمہ علیہما السلام
علاء و نسبتاً و کہ خدایان در پیش بخین بلوکات مفصلہ دیراب و مباشرین و ما دی
سالاران و علمہ روضہ مبارکہ حسب الامر از قرار دستور لہر در بلوکات حقہ ہر یک موافق
سہم و قرار را معمول داشتہ تخلف جائز ندارند و از مواخذہ و سیاست آنہی
دولت قاہرہ بارہ محترم زبورہ در غنجدہ شناسند حقرا فی شہر

رجب المرجب سنہ ۱۲۳۳ - ۹

بسم الله الرحمن الرحيم
آب روضہ مبارکہ فیما بین نزار عن بلوکات مفصلہ بر حسب حکم نزار کتیستان و امضا

کلمہ «آمار» بہ معنای حساب و شمار و شمردن و
تعداد کردن است و بہ صورت «اخترمار» و «آمار» و
«آمارگر» و غیرہ در زبان پارسی مصطلح است و
ریشہ آن تا روزگاران قدیم کشیدہ می شود و
«اخترمار» یعنی ستارہ شناس و طومار یعنی کتاب و
یا همان صحیفہ پیچیدہ شدہ کہ محاسباتی را در آن
دستہ بندی کردہ اند و بہ آن صورت می پیچند و بعدها
معانی آن توسعہ یافته و «طومار» بہ معنای مجموعہ
و یا صحیفہ مشروح و مفصل در آمدہ است.^۵

۴- المعرب جوالیقی، تصحیح احمد محمد شاکر، دارالکتب
المصریہ، ۱۳۶۱، ص ۲۲۵.

۵- ن. ک. بہ المنجد و لسان العرب ذیل همین واژه.

ہامش آن توضیح می دہد کہ ابن دُرَید و ابن سیدہ ہر
دو، «طومار» و «طومار» را از لغات دخیل دانستہ اند
کہ از پارسی بہ عربی رقتہ است.^۴
ظاہراً «طومار» و «طومار» یک لغت است بہ دو
صورت. «طومار» ممال و اوئی «طومار» است. در
واژه شناسی «طومار» و «طومار» از محققین کسی
تحقیق کافی بہ عمل نیاوردہ است. ظاہراً «طومار» و
ہمچنین «طومار» مرکب از دو جزء «طو + مار» و یا
«طا + مار» است. جزء اول «تو» بہ همان معنای
«تا» است. در فارسی توی ہم کردن و توی ہم
پیچیدن و ہمچنین تاب دادن و تا کردن و تاب
خوردن ہمہ نشان دہندہ یک معناست کہ چیزی را
در ہم پیچند و تا کنند. جزء دوم «مار» از ریشہ

«طومار سهم بندی آب رودخانه زاینده رود» که این روزها به «طومار شیخ بهایی» شهرت دارد و تنها یک نسخه از آن وجود دارد. سرگذشت شیرینی دارد. ظاهراً در ضمن قلب و انقلابها و جابه جا شدن ادارات و دست به دست گشتن اسناد، سرانجام این طومار، که به هر حال مربوط به دیه های اکثر خالصه اصفهان بوده است، به اداره مالیه رسیده است و در آنجا به صورتی ملاک عمل بوده است. پس از تشکیل اداره ثبت اسناد آن را از اداره مالیه به اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان می فرستند و به نحوی که در ذیل طومار چاپی آمده است:

«سواد، طوماری است که از اداره مالیه اصفهان در ضمن مراسله نمرة ۹۲۰۰ (تاریخ ندارد) فرستاده اند و برای ضبط در دایرة ثبت اسناد و املاک اصفهان داده می شود. کاظم سمیعی ۱۳۰۷/۸/۴»
در آنجا محفوظ می ماند.

ظاهراً بر اثر تصادمات و اصطکاک هایی که مابین صاحبان سهم آب رودخانه اتفاق می افتاده و برای حل و فصل این برخوردها، اداره کوچکی در اداره حکومتی اصفهان، استانداری فعلی، به نام «دایرة آبیاری» تشکیل شده و در آنجا به این امور رسیدگی می کرده اند تا وقتی که صلاح دانسته شد این دایره را به اداره کشاورزی اصفهان منتقل کنند و دایرة کوچک آبیاری در اداره کشاورزی اصفهان مأمور حل و فصل نزاحات و ترافعات و بالاخره اجرای طومار می گردید. دایرة آبیاری در اداره کشاورزی به این نحو بود که همه دایره زیر نظر یک نفر عضو رسمی کشاورزی و یک کمیسیون مرکب از صاحبان سهام (از آیدوغمیش، لنجان و النجان گرفته تا برسد به رویدشت)، به عنوان منتخب قرار داشت و اجرای طومار زیر نظر آنها به عمل می آمد.

نسخه منحصر به فرد طومار به خط سیاق که رفته رفته داشت منسوخ می شد، و کمتر کسی می توانست آن را بخواند مورد عمل آن دایره بود.

دعوه است قرار جهان شده که کوزه قدر از دست نرود و نوزاد از آب است و باغ بکار دارد
بست کف و مادی سالاد و درده صلب پارک که با احوال و نسل از آن قرار معلول را بر
تکلف نمایند و بر آنجا در پنج روز سر کرده شرکت پیدا کنند -

دایم ششم
از باب است که مشترک است چنانچه بگویم چون هنگام نوزاد سید است چنانچه
چشمیج ندونه منقرض شده با صفت دوم
لذات از کربان حضرت لاریت چنانچه
هنگام و نوزاد است و چشمیج ندونه
صفت دوم

صفت دوم
جودان بنیاد
صفت دوم
از باب است که مشترک است چنانچه بگویم چون هنگام نوزاد سید است چنانچه
چشمیج ندونه منقرض شده با صفت دوم
لذات از کربان حضرت لاریت چنانچه
هنگام و نوزاد است و چشمیج ندونه
صفت دوم

صفت دوم
جودان بنیاد
صفت دوم
از باب است که مشترک است چنانچه بگویم چون هنگام نوزاد سید است چنانچه
چشمیج ندونه منقرض شده با صفت دوم
لذات از کربان حضرت لاریت چنانچه
هنگام و نوزاد است و چشمیج ندونه
صفت دوم

صفت دوم
جودان بنیاد
صفت دوم
از باب است که مشترک است چنانچه بگویم چون هنگام نوزاد سید است چنانچه
چشمیج ندونه منقرض شده با صفت دوم
لذات از کربان حضرت لاریت چنانچه
هنگام و نوزاد است و چشمیج ندونه
صفت دوم

تا وقتی که اداره کشاورزی احساس کرد که واجب است طومار را از لحاظ سهام بندی از صورت سیاقی خارج کند و به خط خوانا و عدد معمول روز در آورد که قابل استفاده همه باشد. از این رو به چاپ آن طومار مبادرت نمود. در صفحه نخستین این طومار چاپی آمده است: «رونوشت این طومار برابر با طوماری است که در موقع انتقال دایرة آبیاری از استانداری استان دهم به این اداره تحویل گردیده و فعلاً اصول آن مورد عمل در طرز تقسیم آب زاینده رود بین حقایه داران است.»

اداره کشاورزی استان دهم (مهر وزارت کشاورزی) این چاپ تاریخ ندارد و فقط اسم چاپخانه (راه نجات) در آن قید شده است. بنابراین خلاصه تاریخ طومار این است که نسخه منحصر به فرد آن در اداره کشاورزی اصفهان در تاریخ غیر معین به این نحو چاپ شده است. بعدها شهرداری اصفهان آن را هم به صورت سیاقی و هم با اعداد به چاپ رسانید.

۱۵
 در این روزگار ماها (۸۰۷۵۵۰ پیش از میلاد) می‌کشیده
 است و ظاهراً کلمه «مادی» به معنی نهر از باب
 اطلاق حال به محل از همان روزگاران به نهر
 منشعب از رودخانه زاینده‌رود اطلاق شده است و
 این طومارهای «مهموره نزد ضباط» نشان‌دهنده
 وجود دفتر و یا دفاتری بوده است که سهام آب
 زاینده‌رود در آن به تفصیل ذکر می‌شده است.
 بنابراین، عمر و سابقه طومار به عمر و سابقه
 استفاده از آب رودخانه زاینده‌رود می‌رسد ولی
 مرور دهور همه این طومارها را در هم پیچیده و
 محو کرده است تا سرانجام یک نسخه منحصر
 به فرد به دست ما رسیده است که شرح آن گذشت.
 چرا آن را طومار شیخ‌بهای نامیدند؟ این خود
 نکته‌ای است که معلوم نیست. در هیچ کجای طومار
 فعلی اسمی از شیخ‌بهای برده نشده است. حقیقت
 آنکه با دقت در متن طومار معلوم می‌شود که طومار
 حتی پیش از شاه اسماعیل صفوی همچنان که
 اشاره شد مورد عمل بوده است و شاه اسماعیل
 صفوی برای رفع این اختلافات دستوری صادر
 می‌کند و فرمانی و همین است که امروز آن را طومار
 می‌نامند. در اول طومار آمده است که: فرمان همین
 (همایون) شد که چون بعضی اختلاف در قرار و سهام
 رودخانه مبارکه زاینده‌رود به هم رسیده بود...
 تا آخر مقدمه. که به این عبارت ختم می‌شود.
 تحریراً فی شهر رجب المرجب ۹۲۳

این تاریخ در دوران پادشاهی شاه اسماعیل صفوی
 (۹۲۳-۹۰۶ ه.ق) است. در بالای طومار ذکر شده
 است «هو الله تعالی شأنه العزیز. محل نگین شریف نواب
 خلدآشیان جنت مکان، شاه طهماسب نورالله مرقد».
 از اینجا معلوم می‌شود که شاه طهماسب که این
 طومار را مهر کرده، مهر او مهر تنفیزی است نه صدور
 دستور. یعنی شاه طهماسب برای تهیه طومار فرمان
 صادر نکرده بلکه شاه اسماعیل آن را صادر کرده
 ۶- ن. ک. به صفحه هجدهم نسخه سیاقی که در ذیل صفحه
 چنین آمده است: تفصیل مواجب میرایی و نوکر میراب
 بلوکات مفصله که معمول است از قرار طومارهای مهمور
 ضباط سابق.

(۳)

سرگذشت نسخ و نسخه منحصر به فرد طومار
 همین بود که گذشت و اطلاع دیگری از آن در
 دست نیست و نسخه دیگری نیز از آن به دست،
 نرسیده است، ولی از قراری که اطلاع داریم و در
 متن طومار هم آمده این طومار نسخ متعدد داشته
 که مورد عمل بوده است و برحسب آن صاحبان
 سهام مراقب بوده‌اند که در سهم آنها تغییری داده
 نشود. از همین جهت آنها را طومارهای مهموره و
 محفوظه نزد ضباط می‌نامیدند.
 درباره تاریخ و سابقه سهام آب زاینده‌رود باید
 متوجه بود که رودخانه زاینده‌رود از روزگاران بسیار
 دور مورد استفاده بوده است و به ناچار کسانی که از
 آن رودخانه سهم آبی داشته‌اند، مادی (اصطلاح
 خاص اصفهان) یا نهری منشعب داشته‌اند برای
 سهم‌بندی رودخانه کتابی، دفتری و طوماری
 داشته‌اند و می‌توان اندیشید که تاریخ کهن آن تا به

رونوشن این طومار برابر با طوماری است که در موقع انتقال دایره آبیاری از استانداری استان دهم باین اداره تحویل گردیده و فعلاً اصول آن مورد عمل در طرز تقسیم آب زاینده رود بین

حقابه داران میباشد

اداره کشاورزی استان دهم

و شاه طهماسب آن را تنفیذ کرده است و تازه از خود همین عبارت مستفاد می شود که شاه طهماسب نیز در گذشته بوده است و از این جهت از او با عنوان «نواب خلد آشیان جنت مکان یاد می کند» و «نورالله مرقده» می آورد. پس طومار حاضر نیز سوادی از طوماری است که در عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ - ۹۳۰ ه. ق) مورد عمل بوده و سواد برداشته شده است و به مهر شاه طهماسب رسیده است و دلیل دیگر آنکه در همان طومار پس از مقدمه می گوید: «برحسب حکم نواب گیتی ستان و امضای مستوفیان... الخ» از این عبارت معلوم می شود که فرمان را کسی صادر کرده که لقبش گیتی ستان است و گیتی ستان سکندرشان فقط راجع به شاه اسماعیل صفوی است نه غیر آن. پس تاریخ تنظیم طومار حاضر که اصلحیه طومارهای پیشین بوده است مربوط به عهد شاه اسماعیل صفوی است و شیخ بهایی (۱۰۳۱-۹۵۳ ه. ق) نمی توانسته است در تنظیم این طومار به شکل حاضر دخالتی داشته باشد.

(۴)

به هر حال این طومار، طومار شیخ بهایی نامیده شده و مورد عمل قرار گرفته است و به نام او از این جهت ظاهراً شهرت یافته است که چون شیخ بهایی به عنوان دانشمند ریاضی و عالم مطلق کامل عیار در همه چیز آن زمانها مشهور بوده خواسته اند با انتصاب آن به شیخ بهایی آن را چنان محکم و مایه دار جلوه دهند که هیچ کس جرأت و امکانی برای تغییر و تحریف آن به دست نیاورد، و اتفاقاً چنین نیز شده است، یعنی تا وقتی آب رودخانه زاینده رود، با انشای شبکه آبیاری جدید سد

زاینده رود به صورت جدید درنیامده بود، همچنان این طومار مورد عمل و اجرا بود و کسی را امکان تخلف و تغییری در آن نبود. گذشته از این اهمیت دیگر طومار این است که نام مادیهای اصفهان همه را به تفصیل با قید سهم آب هر یک آورده است و اسامی همه دیه هایی که از آب رودخانه بهره مند می شوند نیز در آن طومار قید شده و از لحاظ تاریخی و جغرافیایی و کشاورزی اهمیت بسزا دارد. می ماند اینکه ببینیم آیا طومار هیچ دستخوش تغییر و تصرف شده است یا نه. البته دفتری با این قدمت و با این تکثر و تعدد حقابه داران ممکن نبوده است از تغییر و تصرف در امان بماند. ولی حقاً که تصرفات مختصر عهد صفوی و برخی تغییرات اخیر قاجاری در کلیت آن مؤثر نیفتاده و آن را از صورت صحت و اصالت نینداخته است.

در اینجا ما متأسفانه جای بحثی از کیفیت سهام نداریم و علاقه مندان باید به خود آن طومار مراجعه کنند. هدف ما در اینجا سرگذشت طومار و معنی واژه آن و سابقه تاریخی آن بود. در پایان ذکر این نکته را نیز واجب است به میان آوریم که رودخانه زاینده رود برحسب سهام این طومار به ۳۳ سهم تقسیم می شود؛ معادل ۳۳ چشمه پل الله وردی خان، ولی نقص بزرگی که در طومار هست این است که مقدار و اندازه آب برحسب سنگ و سهم به طور قطعی که غیر قابل تعدیل و تحریف باشد ذکر نشده است. و این البته در عین اینکه نقصی است، به حکم اینکه تقسیمات را هم برحسب زمان و هم برحسب مکان معین کرده و تقسیم آب برحسب این دو عامل بسیار دشوار و مشکل است، از اهمیت و شکوه طومار چیزی نمی کاهد.